

ما نسخت می‌فرمودیم مرآن را که شما می‌آوردیت.

توجه شود که در غالب ترجمه‌های کهن این آیه نیز برای «نستسخ» برابری چون «می‌نوشتیم»، «همی‌نشتیم» و... آمده است که بیشتر با معنای رایج امروزی مطابقت دارد (باحقی، ۱۳۷۴: ۱۵۰۸).

چون این معنی استنساخ از لغت‌نامه‌های فارسی (و برخی از لغت‌نامه‌های عربی) مورد رجوع ما فوت شده است و ناآشنایی فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان با این معنی موجب برخی اشتباهات شده است^۱، بایسته است که شواهد آن در کالبد یادداشتی درج شود تا پژوهشگران بدان توجه داشته باشند.



این کاربرد معنایی معمولاً از خلال عبارات مندرج در متون استنباط نمی‌شود، لذا به جست‌وجوی نسخه‌هایی پرداختیم که در آنها نام کاتب جدا از نام مستسخ له درج شده یا کاتب علاوه بر نام بردن از خودش، به یادکرد نام مستسخ له پرداخته است. آنچه در این زمینه یافته شد را پس از این خواهیم دید.

- قطب‌الدین شیرازی از دانشمندانی است که به استنساخ توجه داشته و این واژه را در معنای مورد نظر چند بار به کار برده است. از جمله در آغاز دستنویسی از مفتاح المفتاح از آثار خودش (نسخه ۱۶۹ کتابخانه بشیر آغا ایوب، بی‌تا، به خط محمّابن محمّابن حسن العلوی) یادداشتی مورّخ ۷۰۲ق به خط قطب‌الدین آمده است که این معنی را می‌رساند:

استنسخ هذا الكتاب و هو مفتاح المفتاح مؤلفه وهو احوج خلق الله اليه محمود بن مسعود الشيرازي ختم الله له بالحسنى تحفة لخرانة كتب الولد الاعز الاكرم والامام الافضل الاعلم جلال الملة والدّين عماد الاسلام والمسلمين اطال الله عمره وادام فضله. وقد حرر هذه الاسطر في سرار شهر الله الاصم الاصب رجب عمّت ميامنه من شهور سنة اثنین وسبعماية حامداً لله على آلائه ومصلياً على خاتم انبيائه.

۱. برای نمونه در معرّفی نسخه درّة التاج (که پس از این بدان اشاره خواهد شد) در فهرس مخطوطات مکتبه کويرلي (شش و ديگران، ۱۹۸۶م: ۲۲۴-۴۲۵) بخشی از عبارات شمسّه پشت نسخه به همراه بخشی از انجامه به‌عنوان «قيد الفراغ» نقل شده و در پایان آن آمده است: «بخط مؤلفه». همچنین در مجموعه نجومی شماره ۲۹۴۱ کتابخانه نورعثمانيه (که پس از این بدان اشاره خواهد شد) یادداشتی به خط یکی از مالکان نسخه درج شده که در آن نسخه را به خط قطب‌الدین شیرازی دانسته است (نک. تصوير ۲).

استنساخ و انتساح

علی صفری آق‌قلعه

پژوهشگرمتون
alisafari_m@yahoo.com

واژه استنساخ امروزه در میان مصحّحان، نسخه‌شناسان و اهل فن به معنای رونویس کردن نسخه به کار می‌رود. مثلاً می‌گویند: «فلانی این نسخه را استنساخ کرد» یعنی «فلانی این نسخه را کتبت کرد». برای این معنی در گذشته از فعل انتساح نیز استفاده می‌شده و گویا کاربرد هر دو واژه در این معنی درست است. برای کاربرد استنساخ به معنی «نسخه‌برداری» در تاج‌المصادر (بیهقی ۱۳۷۵: ۷۴۷؛ نیز نک: زوزنی، ۱۳۷۴: ۷۵۸) آمده است: «الاستنساخ: نسخت کردن»، و در برابر انتساح در همان فرهنگ (ص ۶۷۷) آمده: «الانتساح: نسخت گرفتن».

با این حال برخی شواهد نشانگر آن است که واژه استنساخ، همانگونه که باب صرفی آن نشان می‌دهد، به معنای «طلب نسخه نوشتن» از شخصی دیگر یا «نسخت فرمودن» نیز به کار می‌رفته است. مثلاً وقتی می‌گفتند: «فلان نسخه را استنساخ کردم» بدین معنی بود که از شخصی خواستم یا به شخصی سفارش دادم تا آن نسخه را برایم بنویسد. به همین معنی در تفسیر روض‌الجنان و روح‌الجنان (خزاعی نیشابوری، ۱۳۷۸: ۲۴۳/۱۷) تصریح شده است:

إِنَّا كُنَّا نَسْتَسِخُّ [ما کتتم تعملون]: ما نسخت فرماییم آن را که شما کرده باشی... و استنساخ، نسخت فرمودن باشد. و سین، طلب راست و استدعاً را.

در ترجمه همین بخش از آیه در تفسیر نسفی (نسفی، ۱۳۷۶: ۹۴۵) آمده است:



تصویر ۱

در انجامة این نسخه کاتب به یادکرد نامش بدین عبارات پرداخته است:

تمّ الكتاب بعون الله وحسن توفيقه على يد العبد المذنب
الراجي عفو ربه الكريم محمد بن محمد بن حسن العلوي
حامداً لربه ومصلياً لجده والحمد لله رب العالمين.

در گوشه سوی چپ همین انجامة، یادداشت دیگری به خط قطب الدین هست که نشان می‌دهد وی خاتمه کتاب را برای سنجش درستی یا نادرستی نسخه مطالعه کرده و آن را نزدیک به درستی دانسته است:

طالعت خاتمة الكتاب امتحاناً لصحته وسقمه وهو قريب من
السداد. حرره قطب الشيرازي.

• نسخه‌ای از اثر دیگر قطب الدین شیرازی، یعنی درّه التاج لغزّه الدبّاج (نسخه ۸۶۷ کتابخانه فاضل احمد پاشا، مورخ ۷۰۵ ق) در دست است که همین ویژگی‌ها را دارد. نسخه توسط کاتبی که به نام خود اشاره نکرده است، کتابت شده و در پشت نسخه (تصویر ۱) به استنساخ نسخه در معنای مورد نظر ما اشاره شده است. چنانکه در تصویر می‌بینیم این عبارات در شمسه میانی آمده است:

استنسخه مؤلفه تحفة لعالی خزانه کتب الامیر الکبیر العالم
العادل المؤید المظفر یمین الملک ظهیر السلطنة...
[محوشدگی]... الامیر المعظم... [محوشدگی]... اعز الله
انصاره و ضاعف اقتداره. من قال آمین ابقی له مهجته نافر
هذا دعاء یشتمل المبشر.^۱

درست در سوی چپ این شمسه، یادداشتی به خط مؤلف درج شده که نشان می‌دهد وی آن را مطالعه و درستی آن را تأیید کرده است:

طالعه المؤلف و هو قریب من السداد. حرره احوج خلق الله
اليه محمود بن مسعود بن المصلح الشيرازي ختم الله له بالحسنى.

اگر نسخه به خط مؤلف بود قاعدتاً نباید می‌نوشت: «طالعه المؤلف». علاوه بر این به قرینه خط می‌توان به یقین گفت که این نسخه به خط مؤلف نیست. بنا بر این در عبارت درون شمسه، استنساخ به معنی طلب یا سفارش دادن نگارش نسخه به شخصی دیگر به کار رفته است.

۱. بخش پایانی ممکن است نادرست خوانده شده باشد.
۲. توجه شود که در اینجا ضمیر «هو» به کتاب بازمی‌گردد.

• در پشت یک مجموعه نجومی دارای تحریر مجسطی نصیرالدین طوسی (نسخه ۲۹۴۱ کتابخانه نور عثمانیه، مورخ ۶۸۴ ق) یادداشتی به خط قطب الدین شیرازی هست (تصویر ۲) که نشان می‌دهد وی نسخه را برای خزانه یکی از بزرگان استنساخ کرده و پوزش خواسته که وقت کافی برای مقابله نسخه نبوده است. این نسخه نیز به خط قطب الدین نیست و لذا واژه استنساخ در آن به معنای کتابت نسخه توسط خود او نیست و ناگزیر بدین معنی خواهد بود که او کتابت نسخه را از شخص دیگری خواسته است:

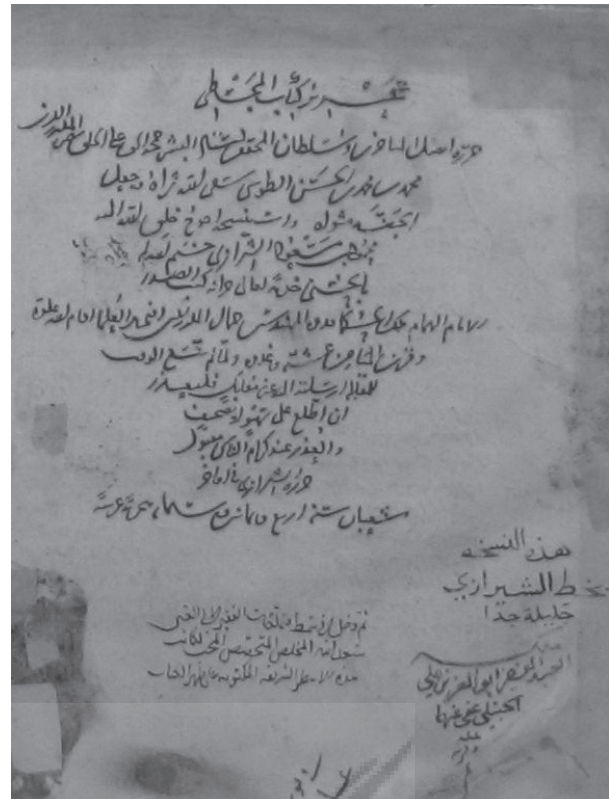
تحریر کتاب المجسطی حرره افضل المتأخرین و سلطان
المحققین استاد البشر حجة الحق علی الخلق شمس الملة
والدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي... واستنسخه
احوج خلق الله اليه محمود بن مسعود الشيرازي ختم الله له
بالحسنى خدمة لعالی خزانه کتب الصدر الامام الهمام...
ولما لم تسع الوقت للمقابلة ارسلته اليه غير مقابل فليعتذر
ان اطلع على سهو او تصحيف والعدر عند كرام الناس
مقبول. حرره الشيرازي في اواخر شعبان سنة اربع وثمانين
وستماية هجرية عربية.

حامداً ومصلياً ومسلماً بتاريخ ثالث عشرین...

• در دیگر صورت های صرفی واژه استنساخ نیز همین معنی دیده می شود. برای نمونه در دستنویسی از شرح الشافی فی الکتاب الکافی فی الحساب اثر محمد بن علی بن الحسن بن احمد بن علی الشهرزوری (نسخه ۸۰۱ کتابخانه بنی جامع، مورخ ۵۹۱ق) نخست انجامه کاتب بدین عبارات ثبت شده است:

و كان الفراغ منه تاسع عشرين ذوالحجّة آخر سنة احدى و تسعين و خمس مائة كاتبه اسمعيل بن احمد بن سعيد بن عفان بن ملكوه المعروف بابن الغازي شيخ الرباط بالغرّاف غفر الله لوالديه... وحسبنا الله ونعم الوكيل. كتبه لصاحبه المستنسخ له محمد بن عبد القاهر بن هبة الله راجي رحمة ربه... الخ.

با توجه بدین شواهد می توان در لغت نامه ها معنای سفارش دادن کتابت نسخه را نیز زیر استنساخ افزود.^۱



تصویر ۲

منابع

- بیهقی، ابوجعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ (۱۳۷۵).
- تاج المصادر (ج ۲). به کوشش هادی عالمزاده. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خزاعی نیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد (۱۳۷۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتوح رازی). به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- زوزنی، قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد (۱۳۷۴). کتاب المصادر. تهران: نشر البرز.
- ششن، رمضان و دیگران (۱۹۸۶م). فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی. استانبول: مرکز الابحاث للتاریخ والفنون والثقافة الاسلامیة.
- نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۶). تفسیر نسفی. به کوشش عزیزالله جوینی. تهران: سروش.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۴). فرهنگنامه قرآنی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱. با سیاس از آقایان محمد باهر و مسعود راستی پور که مقاله را پیش از چاپ خواندند و موارد سودمندی را متذکر شدند.

• در انجامه دستنویسی از جلد دهم النهایة فی شرح الهدایة (نسخه ۵۶۶ کتابخانه سلیمانیه، مورخ ۷۳۰ق) آمده است:

وافق الفراغ من هذه النسخة المباركة الحادی والعشرين من شهر رمضان المبارك سنة ثلثین و سبع مائة غفر الله لمن استنسخها ولکاتبها ولمن طالع فیها ولجميع المسلمين.

• در انجامه دستنویسی از معلم الطرفين بما حوی من مدح العلما از شرف الدین عیسی بن محمد السهروردی (نسخه ۲۵۹۱ کتابخانه نور عثمانیه) که از نسخه های مملوکی نوشته شده در قاهره است، نخست به نام سفارش دهنده و سپس به نام کاتب اینگونه اشاره شده است:

تم الكتاب بحمد الملك الوهاب. استنسخه لنفسه ثم لمن شاء الله من بعده الفقير الى رحمة مولاه العلي الكبير محمد بن عثمان بن محمد بن عثمان المقسمي الشهير بابن الخفار الواعظ المداح بالمدرسة الاشرفية بالقاهرة المحروسة غفر الله له ولوالديه ولمن نظرفيه واستفاد منه شيئاً ودعاه بالتوبة والمغفرة والفوز بالجنة والنجاة من النار ولجميع المسلمين آمين. علي يد الفقير المعترف بالذنوب والتقصير المؤمل بالجنات ان يدخلها والمسلمين يرتقى محمد بن علي بن محمد الازرفي